

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده‌ی مطالعات فلسفی و تاریخ علم
گروه تاریخ علم و تمدن

رساله‌ی دکتری رشته‌ی تاریخ علم دوره‌ی اسلامی

روش‌شناسی علم تشریح در «تشریح الأبدان» منصور بن محمد بن احمد شیرازی

استاد راهنما:

دکتر غلامحسین مقدم‌حیدری

استادان مشاور:

دکتر علیرضا منجمی

دکتر بهنام‌الدین جامعی

دانشجو:

رضا غلامی

خرداد ماه ۱۴۰۰

چکیده:

رساله‌ی تشریح‌الابدان، قدیمی‌ترین رساله‌ی مصوّر تشریحی با تصاویر شش‌گانه‌ی تفصیلی از اعضای بدن در جهان است که تاکنون شناخته شده و در دسترس قرار گرفته است. یک رساله در علم آناتومی به زبان فارسی که در دوره‌ی تیموری تالیف شده است. اما نتایج حاصل از مطالعه‌ی متن و تصاویر این رساله با آنچه حاصل مشاهده‌ی آناتومی مدرن از اعضای بدن در فرآیند تشریح بدن انسان است، تفاوت دارد. این به معنای آن است که برخی از اعضای بدن که با چشم غیر مسلح قابل مشاهده هستند، در آناتومی مدرن دیده و توصیف شدند، اما در متن تشریح‌الابدان از آنها سخن گفته نشد. نتایج این پژوهش، نشانگر آن است که این تفاوت، ریشه در بسترهای مشاهده دارد. بستر مشاهداتی متون کهن تشریح، به وجود اخلاط در بدن باور دارد و عضو را ماهیتی اخلاطی معرفی می‌کند. اما آناتومی مدرن به وجود اخلاط در بدن باور ندارد. همین تفاوت در بستر مشاهداتی، به ایجاد دو گونه‌ی متفاوت از آناتومی و فیزیولوژی انجامید که در این رساله، تشریح اخلاطی و فیزیولوژی اخلاطی نامیده می‌شود. از این منظر، رساله‌ی تشریح‌الابدان، یک رساله‌ی تشریح اخلاطی است. این را یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند.

کلیدواژه‌ها:

جالینوس، تشریح‌الابدان، تشریح اخلاطی، فیزیولوژی اخلاطی، منصور بن محمد بن احمد شیرازی

فهرست مطالب

فصل یکم: کلیات..... ۱

۱-۱- طرح موضوع یا طرح مساله

۲-۱- تعریف مفاهیم

۳-۱- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

۴-۱- اهداف پژوهش

۵-۱- چارچوب نظری

۶-۱- سوال‌های پژوهش

۷-۱- فرضیه‌های پژوهش

۸-۱- پیشینه‌ی پژوهش

۹-۱- جنبه‌ی جدیدبودن و نوآوری پژوهش

۱۰-۱- نسخه‌ها و تصحیح‌های تشریح‌الابدان

۱۱-۱- فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات

۱۲-۱- قلمرو مکانی، زمانی و موضوعی پژوهش

۱-۱۳- سازماندهی اولیه‌ی پژوهش (فهرست فصول)

۱-۱۴- درباره‌ی منصور بن محمد بن احمد شیرازی و تشریح الأبدان

فصل دوم: جالینوس و دستاوردهای او در تشریح..... ۲۹

۱-۲- مقدمه

۲-۲- مختصری پیرامون آثار تشریحی جالینوس

۲-۳- فصل بندی التشریح للمتعلمین

۲-۳-۱- ساختار استخوانی

۲-۳-۲- ساختار عضلانی

۲-۳-۳- ساختار عصبی

۲-۳-۴- سرخرگ‌ها و سیاهرگ‌ها

۲-۴- نتیجه‌گیری

فصل سوم: فیزیولوژی اخلاطی و تشریح اخلاطی..... ۴۷

۳-۱- مقدمه

۳-۲- اخلاط

۳-۲-۱- کیفیت و کمیت روح

۳-۲-۲- ماهیت خارجی اخلاط

۳-۳- تشریح اخلاطی و فیزیولوژی اخلاطی

۳-۳-۱- تشریح اعضا

۳-۳-۲- دستگاه گردش روح

۳-۳-۳- دستگاه گوارش اخلاطی

۳-۳-۴- دیگر اعضای بدن

۳-۴- نتیجه گیری

فصل چهارم: روش شناسی شیرازی در متن تشریح الأبدان ۸۹

۴-۱- مقدمه

۴-۲- انجام یا عدم انجام تشریح انسان

۴-۳- عضو یا دستگاه

۴-۳-۱- کیفیت تولد جنین

۴-۳-۲- دستگاهها

۴-۳-۳- اعضا

۴-۴- نتیجه گیری

فصل پنجم: بررسی تصاویر مندرج در تشریح الأبدان ۱۲۵

۵-۱- مقدمه

۵-۲- تصاویر تشریح الأبدان

۵-۲-۱- استخوان‌ها

۵-۲-۲- اعصاب

۵-۲-۳- عضلات

۵-۲-۴- سیاهرگ‌ها و سرخرگ‌ها

۵-۲-۵- اعضای مرکب

۵-۳- نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری ۱۶۷

کتابنامه ۱۹۱

منابع فارسی

منابع عربی

منابع انگلیسی

فصل یکم

کلیات

۱-۱- طرح موضوع یا طرح مساله

تلقی رایج در مطالعات عرصه‌ی پزشکی، آن است که تمدن مسلمین، حلقه‌ی واسطی جهت انتقال میراث تألیفی به زبان یونانی به غرب بوده است. حال آنکه پژوهش‌های تاریخی نشان از آن دارند که طبیبان مسلمان گرچه از این آثار بهره برده‌اند، اما کوشیده‌اند دیدگاه‌های جدیدی را نیز به این میراث بیفزایند. دیدگاه‌هایی که حاصل مشاهدات و اندیشه‌ی ایشان بود. از جمله‌ی حوزه‌های قابل تأمل در عرصه‌ی پزشکی، کالبدشناسی بوده که در میان طبیبان مسلمان «علم‌التشریح» نامیده می‌شده است. این گزاره درست است که نخستین تلاش‌ها در این عرصه با بهره‌گیری از آثار یونانی و ترجمه‌ی آنها فراهم آمد؛ اما طبیبان جندی‌شاپوری، در بازه‌ی زمانی کمتر از یک سده، به کار تألیف روی آوردند. آن‌هم بنابر نیازی که به گفتار ابن‌ابی‌اصیبعه، به جهت تکمیل آثار یونانی و افزایش تجربه‌ی بالینی در این باره، احساس می‌شد. نخستین گزارش‌ها در حوزه‌ی تشریح، مربوط است به یوحنا بن‌ماسویه، طبیب جندی‌شاپوری دستگاه خلافت عباسی که حاصل تشریح چند «میمون» بوده است. حجم

مشاهدات نیز به میزانی بوده که تبدیل به یک کتاب و نه رساله یا مقاله شود. کتابی که ابن‌ابی‌اصیبعه، نام آن را «کتاب التشریح» ذکر کرده است. برپایه‌ی گزارش‌های او، یوحنا بن‌ماسویه، به تشریح بدن انسان نیز علاقه‌مند بوده که بدلیل مخالفت «سلطان» که منظور، همان «معتصم» عباسی باشد، موفق به انجام آن نمی‌شود (ابن‌ابی‌اصیبعه، بی‌تا، ص ۲۰۱-۱۹۸).

فرآیند ترجمه توسط مترجمان جندی‌شاپوری آغاز شد و این را گزارشات ابن‌ندیم، ابن‌جلجل و ابن‌ابی‌اصیبعه تأیید می‌کنند. مترجمانی که گزارشات، حکایت از تکلم ایشان به زبان فارسی و بنابراین، فارسی‌زبان بودنشان می‌کند. ترجمه با آثار هندی، فارسی، یونانی و معدودی اثر لاتین آغاز می‌شود. این نفوذ جندی‌شاپوریان، مدل طبّی ایشان را نیز به تمدن مسلمین آورد: مدل بیمارستان‌محور که در آن، علاوه بر طبابت، درمان جراحی‌ها، چشم‌پزشکی و نیز آرایه‌ی دارو انجام می‌شده است. با گسترش محدوده‌ی جغرافیایی بغداد و افول جندی‌شاپور، بیمارستان‌های بغداد جایگاه درخوری یافته و خلفا و سلاطین بعدی حاضر در بغداد، همچون عصر منصور عباسی، متکی به بیمارستان جندی‌شاپور نبودند. همچنانکه گزارش‌های تاریخی، حکایت از وجود لاقل سه بیمارستان در بغداد می‌کند.

در این بیمارستان‌ها، علاوه بر انسان، «بهائم» نیز درمان می‌شد. این را ثابت بن‌سنان از روزگار طبابت پدرش نقل می‌کند. بنابراین، شناخت کالبد دیگر جانداران نیز اهمیت داشته است و در این باره هم تالیفاتی انجام شد. برای نمونه، ابن‌ابی‌اصیبعه از اثری با عنوان «کتاب فی تشریح بعض الطیور» یاد می‌کند که توسط ثابت بن‌قره به‌نگارش درآمده بود (ابن‌ابی‌اصیبعه، بی‌تا، ص ۲۵۸).

آنچه تمدن مسلمین از آثار پیشینیان دریافت کرد، متعلق به امثال ارسطو، بقراط و جالینوس می‌باشد. اما متأسفانه از تالیفات ذکرشده در بالا و متعلق به یوحنا بن‌ماسویه و ثابت بن‌قره، اثر خاصی درمیان نیست. این مساله سبب شد تا عالمان علم تشریح دوره‌ی اسلامی، از آثار در دسترس و نه مفقود استفاده کنند. جز آثار تأثیرگذار جالینوس که نسخه‌های خطی متعدد آنها تا به امروز هم برجای مانده، در آثار امثال محمد بن‌زکریای

رازی، علی بن عباس مجوسی اهوازی و ابن سینا، بگونه‌ای مفصل به مبحث تشریح پرداخته شده است. آثاری که در «تشریح الأبدان» منصور بن محمد بن احمد شیرازی بعنوان منابع استناد، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اهمیت این اثر، آنجاست که نخستین تصویرنگاری تفصیلی از بدن انسان را ضمیمه‌ی متن کرده است: تألیفی مصور در علم تشریح. از این رو، این رساله بعنوان نقطه‌ی عطفی در تاریخ علم تشریح در میان طبیبان مسلمان در نظر گرفته شده است. از آنجا که هیچ پژوهش تفصیلی‌ای بر روی محتوای پزشکی این رساله و روش‌شناسی تشریح در آن انجام نشده، رساله‌ی پیش‌رو، بدنبال دو هدف پژوهشی است:

بررسی ویژگی‌ها و تمایزات روش‌شناسی تشریح شیرازی در مقایسه با پیشینیان، آن‌هم از منظر طب و نظریه‌ی اخلاقی؛

مقایسه‌ی روش‌ها و یافته‌های تشریح در رساله‌ی *تشریح الأبدان* با علم آناتومی جدید؛

این رساله می‌کوشد تا روش منصوری را بگونه‌ای مبسوط و با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین پژوهش بر روی آثار تاریخ علم، بررسی کند. از آنجا که منصوری در *تشریح الأبدان*، منابع مورد استناد خود را معرفی کرده و شاهد مثال‌های هر بخش از آن را به هر یک از ایشان استناد داده، بررسی دقیق روش تشریح او، منوط به بررسی آثار مورد ارجاعش در *تشریح الأبدان* خواهد بود. در شمار این منابع، عبارتند از: «المنصوری فی الطب» محمد بن زکریای رازی، «کامل الصناعه الطبیه» علی بن عباس مجوسی اهوازی، «القانون» ابن سینا و نیز «تشریح الرأس» و «الطب الکبیر» امام فخر رازی که متأسفانه، از تالیفات او، اثری در دسترس نیست. از آنجا که طبابت و تشریح در دوره‌ی اسلامی، از جالینوس تاثیر پذیرفته، در بررسی علم تشریح دوره‌ی اسلامی باید از مکتب‌های مهم یونانی و از جمله، مکتب جالینوس نام برد. به همین دلیل، پژوهش این رساله، از بررسی *التشریح للمتعلمین* جالینوس آغاز می‌شود. این پژوهش و در این مسیر، مراحلی دارد که در هریک از این مراحل، به بررسی تأثیرات طبیبان مورد استناد شیرازی در *تشریح الأبدان*، بر تشریح دوره‌ی اسلامی می‌پردازد:

۱-۱-۱- جالینوس (۲۰۰-۱۲۹م.):

پرشمارترین آثار تألیفی ترجمه شده در حوزه‌ی تشریح، متعلق به جالینوس است: ۱۸ اثر از حدود ۱۳۰ عنوان اثر او که در «رسالة حنین بن اسحق الی علی بن یحیی فی ذکر ما ترجم من کتب جالینوس» ذکر شده است. رساله‌ای که آنگونه که از نام آن برمی‌آید، توسط حنین بن اسحاق، از مترجمین عصر عباسی نوشته شده است. این ۱۸ اثر، نه فقط آثار شخص جالینوس، بلکه آثار دیگرانی همچون «بقراط»، «مارینس»، «لوقس» و «ارسسطراطس» را نیز شرح و نقد کرده است (حنین بن اسحاق، تصحیح. ۱۳۸۴، ص ۲۵-۲۳). جز این و برای نمونه، جالینوس در *التشریح للمتعلّمین* نیز اطلاعاتی از دست‌اندرکاران تشریح در دوره‌ی پیش از اسلام ارائه کرده و دیدگاهشان در حوزه‌ی تشریح و در مبحث تشریح عضله را نقد کرده است (جالینوس، بی‌تا، ص ۳۷).

۱-۱-۲- محمد بن زکریای رازی (۳۱۳-۲۵۱ق.):

دیدگاه رازی، از آن جهت درخور توجه است که حاوی مشاهدات بالینی او در محیط «بیمارستان» می‌باشد. مکانی که او، خود در یکی از تألیفاتش، یعنی *الشکوک علی جالینوس*، آن را اینگونه نامیده است (الرازی، تصحیح. ۱۳۸۴، ص ۷۵). نکته‌ی مهم، آن است که مشاهدات بالینی او در بیمارستان بغداد صورت گرفته و بیمارستان‌های بغداد با الگوگیری از بیمارستان جندی‌شاپور، مکانی برای درمان جراحات هم بوده‌اند. امری که به مشاهده‌ی بدن‌های جراحات دیده و ساختار درونی حاصل از بریدگی، پارگی و جز آن می‌انجامیده و حاصل آنها در آثاری چون *المنصوری* آمده است.

۱-۱-۳- علی بن عباس مجوسی اهوازی (۳۸۴-۳۱۸ق.):

کامل الصنعة الطبّیة علی بن عباس مجوسی اهوازی، از جمله‌ی منابع مورد استناد شیرازی در *تشریح‌الأبدان* بوده است. این اثر از آن جهت، حایز اهمیت است که حتی در سده‌ی هفتم و با وجود نفوذ *القانون* ابن‌سینا بر حوزه‌های طبی، همچنان تدریس می‌شده است. نمونه‌ی آن، گزارشی است که در *شیرازنامه* آمده و در

آن، از شخصی با نام شیخ زین‌الدین علی بن مودود زرکوب شیرازی یاد شده که نزد کمال‌الدین ابوالخیر طبیب، در حال یادگیری *کامل الصناعه* بوده است (زرکوب شیرازی، تصحیح. ۱۳۸۹، ص ۲۴۷). اهوازی در *کامل الصناعه الطبیه*، مبحث مفصلی را درباره‌ی کالبدشناسی اندام انسانی مطرح می‌کند که درمیان آنها فی‌المثل، گفتارهای او درباره‌ی کیفیت شکل کبد، قابل توجه است.

۱-۱-۴- ابن سینا (۴۲۸-۳۷۰ ق.م):

تشریح‌الأبدان شیرازی در موارد متعدد به ابن‌سینا استناد کرده است. گفتار ابن‌سینا در مبحث *تشریح القانون*، این ویژگی را دارد که مبحثی منسجم و درعین‌حال، گسترده باشد. او در کتاب *اول القانون*، مبحث *تشریح* را درباره‌ی اعضای مفرد و مرکب بدن بیان می‌کند. اما گفتارش به اینجا ختم نمی‌شود و در مباحث مربوط به هریک از اعضا، مبحث *تشریح* آن عضو را پی می‌گیرد. حاصل این کار، تدوین مجموعه‌ای از اطلاعات در حوزه‌ی *تشریح* است که در *القانون*، گردهم آمده است. رویکردی که رازی و اهوازی نیز پی گرفته و حاصل کار خود را در *تالیفاتشان* آورده‌اند.

۱-۱-۵- منصور بن محمد بن احمد شیرازی (سده‌ی ۷ و ۸ ق.م):

شیرازی، از جمله طبیبان عصر آل مظفر و سپس، تیموریان در فارس است که *تشریح‌الأبدان* را به حاکم تیموری شیراز تقدیم می‌کند. او، اثر معروف دیگری به نام *کفایه مجاهدیه* نیز دارد که آن را در حوزه‌ی طب عمومی تالیف کرده است. *تشریح‌الأبدان*، در بازه‌ی زمانی حدود نیم‌سده پس از تالیف، بعنوان منبع نگارش آثار مرتبط با حوزه‌ی *تشریح* مورد استفاده قرار گرفت. همچنین وجود حدود ۶۰ نسخه‌ی خطی شناخته‌شده از این اثر در ایران و نیز چاپ‌های سنگی متعدد صورت‌گرفته از آن در هندوستان، نشانگر آن هستند که بعنوان یک درسنامه‌ی *تشریح* در ایران و هندوستان مطرح بوده است.

این رساله تا به امروز، بعنوان نخستین تالیف شناخته شده با تصویرنگاری تفصیلی بدن آدمی در جهان به شمار می آید. ساختار تشریح/الابدان از یک مقدمه، پنج مقاله و یک خاتمه تشکیل شده است. مقدمه، به تعریف عضو می پردازد و مقالات به ترتیب، ساختارهای استخوانی، عصبی، عضلانی، سرخرگ ها و سیاهرگ ها را معرفی و شرح می کنند. خاتمه نیز بحثی تفصیلی در حوزه ای اعضای مرکب بدن و نیز مبحث جنین شناسی را شامل می شود.

۱-۲- تعریف مفاهیم

تمرکز این پژوهش بر موضوع تشریح قرار گرفته است. به همین دلیل، لازم است برخی از مهم ترین تعریف های مرتبط، در اینجا آورده شود:

علم تشریح (آناتومی): علم تشریح یا کالبدشناسی، شاخه ای از زیست شناسی است که به بررسی ساختار و شیوه ی کار بدن جانداران می پردازد.

طب اخلاطی: مکتب طبی که براساس ادراک طبیب از طبایع چهارگانه (دموی، صفراوی، بلغمی و سوداوی) که آن هم برپایه ی اخلاط چهارگانه (دم، بلغم، صفرا و سودا) بنا گردیده، به درمان بیمار می پردازد.

اخلاط: ماده ای روان که محصول هضم غذا در بدن بوده و در دو حالت مایع و گازی شکل در پیکره ی آدمی یافت می شود. حالت مایع آن، همان اخلاط چهارگانه است که در سیاهرگ ها جریان می یابد. حالت گازی شکل آن، رُوح نامیده می شود و حاصل امتزاج اخلاط چهارگانه است که در فرآیندی خاص در قلب تولید شده و در سرخرگ ها به جریان درمی آید.

مزاج: کیفیتی که از مخلوط شدن عناصر چهارگانه در بدن پدیدار می شود.

عضو: ماهیتی جسمانی و غلیظ که در طب اخلاطی، از امتزاج اخلاط چهارگانه در بدن حاصل می‌شود.

طب بالینی: دانش درک و شناخت علایم پزشکی و نشانه‌های بیماری که با حواس پنجگانه، آن‌هم بدون نیاز به تجهیزات ویژه‌ی پزشکی و بر بالین بیمار صورت می‌گیرد.

آسیب‌شناسی (پاتولوژی): شاخه‌ای از علوم پزشکی است که درباره‌ی تأثیر بیماری‌ها و آسیب‌ها در سطح بافتی، سلولی و ملکولی بحث کرده، در پی مطالعه‌ی فرآیند بیماری در یک اندام یا تمام بدن است.

۱-۳- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش (چرایی انجام پژوهش درباره‌ی این موضوع)

اگرچه طبیبان تمدن مسلمین، گام‌های نخستین در مبحث تشریح را از آثار پیشینیان و بویژه جالینوس اقتباس کردند، اما پژوهش‌های اولیه‌ی مجری این رساله، نشانگر آن است که ایشان در این عرصه، دیدگاه‌های نوینی را نیز ابراز کرده‌اند. برای نمونه، تشخیص چند لپی بودن کبد و نیز جوش خوردگی و پیوستگی استخوان فک زیرین در انسان، از دستاوردهای مسلمانان است. بر همین اساس، انجام چنین پژوهشی از دیدگاه‌هایی که در پی می‌آید، ضروری بنظر می‌رسد:

۱- تمدن مسلمین، برخلاف دیدگاه رایج، تنها مقلدان جالینوس در حوزه‌ی تشریح نبوده است. نمونه‌ی این موارد، تشریح‌الابدان منصور بن محمد بن احمد شیرازی است که در حوزه‌ی تشریح، گام جدیدی برداشته است. چرا که تصویرنگاری‌های تفصیلی موجود در «تشریح‌الابدان» در تاریخ پزشکی، یک نوآوری محسوب می‌شوند. اقدامی که بنظر می‌رسد در گذشته سابقه نداشته است.

۲- کشف داده‌های جدید، نیازمند پژوهش همزمان بر نسخ طبی عربی و فارسی است که تاکنون، فرآیند تصحیح برخی از آنها انجام و بسیاری نیز هنوز انجام نشده است. مجری این رساله در این پژوهش، تمرکز خود را بر

مبحث تشریح گذاشته و به جمع‌آوری منابع استنادی شیرازی در این حوزه اقدام کرده است. نکته‌ای که اهمیت بیش از پیش این پژوهش را نشان می‌دهد، عدم وجود اثری در زبان فارسی، عربی و حتی انگلیسی است که بگونه‌ای مستقل، مبحث تشریح را از نظر طبی و روش‌شناسی در این تألیف مهم، مورد بررسی قرار داده باشد. چنین پژوهشی، نه تنها جایگاه تمدن اسلامی را در این موضوع نشان می‌دهد، بلکه می‌تواند مقدمه‌ای برای تمدن نوینی در دوره‌ی معاصر باشد.

۱-۴- اهداف پژوهش

- ۱- بررسی مقومات روش‌شناسی تشریح نزد جالینوس؛
- ۲- بررسی مقومات روش‌شناسی منصور بن محمد بن احمد شیرازی در مبحث علم تشریح؛
- ۳- احصا و بیان دستاوردهای منصور بن محمد بن احمد شیرازی در علم تشریح در مقایسه با منابع استنادی تشریح/الأبدان و مقایسه‌ی این دستاوردها با نتایج مشاهداتی حاصل از آناتومی مدرن؛

۱-۵- چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر دو بخش است:

بخش نخست این پژوهش، مبتنی بر چارچوب نظری «اتکای مشاهدات بر نظریه‌ها» در مکاتب علم‌شناسی است. مطابق این چارچوب نظری، تفاوت میان روش تشریح و یافته‌های مرتبط با آن، نزد شیرازی و پیشینیانش مورد بررسی خواهد گرفت. یعنی اینکه چگونه طبیبان مختلف بر اساس نظریه‌های پزشکی گوناگونی که بدان قایل بودند، روش‌های گوناگون تشریح را بکار می‌بردند.

بخش دوم این پژوهش، مبتنی بر چارچوب نظری روش و علم آناتومی جدید است و خواهد کوشید تا روش و یافته‌های شیرازی در حوزه‌ی تشریح را با شیوه‌ها و یافته‌های جدید این علم، مقایسه و بررسی کند.

۱-۶- سوال‌های پژوهش (اصلی و فرعی)

۱-۶-۱- سوالات اصلی:

- ۱- مقومات روش تشریح نزد جالینوس کدامند؟
- ۲- مقومات روش تشریح نزد شیرازی کدامند؟
- ۳- دستاوردهای علم تشریح شیرازی در مقایسه با منابع استنادی او در تشریح/الأبدان چه بوده است؟
- ۴- دستاوردهای شیرازی در باب علم تشریح با توجه به علم آناتومی جدید چقدر معتبر است؟

۱-۶-۲- سوالات فرعی:

- ۱- کدامیک از طبیبان محل رجوع شیرازی، مستقیماً به انجام تشریح می‌پرداختند؟
- ۲- در صورت انجام تشریح، این عمل بر روی کدامیک از گزینه‌های انسان یا حیوان انجام می‌شد؟

۱-۷- فرضیه‌های پژوهش

۱-۷-۱- فرضیه‌های سوالات اصلی:

فرضیه‌ی نخست: با توجه به اینکه جالینوس به تلفیقی از سه مکتب متعلق به اصحاب تجربه، قیاس و حیل پرداخته است، با استفاده از استدلال‌های قیاسی، برخی نتایج مربوط به تشریح حیوانات را به انسان نیز تعمیم می‌داده است. از این‌رو، می‌توان مقومات تشریح او را مبتنی بر تجربه و قیاس دانست.

فرضیه‌ی دوم: بنظر می‌رسد شیرازی از مشاهدات جالینوس بهره گرفته و بصورت مستقل، به تشریح انسان اقدام نکرده است.

فرضیه‌ی سوم: تشریح‌الابدان، نخستین رساله‌ی شناخته‌شده و در دسترس در علم تشریح با تصویرنگاری مفصل کالبد انسانی در تاریخ پزشکی جهان محسوب می‌شود. نخستین در نوع خود که حتی در آثار ترجمه‌ای پیشاسلامی جالینوسی که امروز در اختیار ماست، آن‌هم با چنین کیفیتی سابقه نداشته است. این اثر، دارای ابداعاتی است که در کارهای پیشینیانش در دوره‌ی اسلامی وجود ندارد.

فرضیه‌ی چهارم: بنظر می‌رسد مواردی از تطابق دستاوردهای شیرازی در علم تشریح با آناتومی مدرن وجود دارد. اما موارد ناسازگاری هم موجود است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۷-۲- فرضیه‌های سوالات فرعی:

فرضیه‌ی نخست: بنظر می‌رسد از میان طبیبان مطرح محل رجوع شیرازی، جالینوس، طبیبی است که مستقیماً در فرآیند تشریح حضور داشته و مشاهدات خود را مکتوب کرده است.

فرضیه‌ی دوم: جالینوس در *التشریح للمتعلّمین*، حاصل مشاهدات خود از تشریح میمون را بیان کرده است.

۸-۱- پیشینه‌ی پژوهش (بررسی اجمالی کارهای مشابه پیشین)

مرور ادبیات تحقیق بمنظور تعیین پیشینه‌ی پژوهش پیش رو، براساس مطالعه‌ی اکتشافی صورت گرفته در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی^۱ و خارجی^۲، نشان از آن دارد که تاکنون، پژوهش مستقلی با تمرکز بر حوزه‌ی تشریح دوره‌ی اسلامی و در بازه‌ی زمانی ذکرشده در پایین (قسمت قلمرو پژوهش) انجام نشده است. پژوهش‌های صورت گرفته، اگرچه در پیوند با موضوع این رساله نیستند، اما بدلیل ارتباط موضوعی بخشی از آنها با موضوع مذکور، به بخش‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۱- پیشینه‌ی پژوهش در ایران؛

۲- پیشینه‌ی پژوهش در خارج از ایران؛

در ادامه، به مباحث کتابشناسی پژوهش‌های انجام شده اشاره می‌شود. لازم به توضیح است، تنها آن دسته از منابعی که ارتباط مفهومی بیشتری با موضوع این رساله دارند، از نظر محتوایی توصیف می‌شوند:

۸-۱-۱- پیشینه‌ی پژوهش در ایران:

^۱- مرجع رسمی بازبایی آثار داخلی، مرکز اطلاعات و مدارک ایران (ایران‌داک) بوده است.

^۲- مرجع رسمی پژوهش درمیان آثار خارجی، سایت www.proquest.com و www.jstore.org بوده‌اند.

در ایران، تاکنون پژوهشی که قلمرو زمانی، مکانی و موضوعی پژوهش پیش رو را دربرگیرد، انجام نشده است. کارهای انجام‌شده، مطالعات موردی بوده‌اند که یک یا دو مورد را مورد پژوهش قرار داده و رویکرد آنها، جنبه‌هایی چون تاریخ، هنر و ادبیات را پوشش داده است. از جمله‌ی این موارد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مائده نیک‌سرشت با عنوان «واژگان تخصصی تشریح از قرن ۸ هجری قمری به استناد کتاب تشریح‌الأبدان منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس شیرازی» می‌باشد. مولف، این پایان‌نامه را در چهار فصل تنظیم کرده است. تألیفی که در آن، تنها به مطالعه‌ی موردی تشریح‌الأبدان، آن هم با تمرکز بر واژگان و نیز اصطلاحات موجود در آن پرداخته شده است. برای تطبیق واژگانی نیز از ذخیره‌ی خوارزمشاهی و الأعراس الطبییه و المباحث العلائیه سیداسماعیل جرجانی و فرهنگ‌های واژگانی چون دهخدا و آندراج بهره گرفته است.^۳ این پژوهش، آنگونه که از توضیحات آن برمی‌آید، بر حوزه‌ی ادبیات متمرکز شده و بسیار کمتر از آن چیزی است که مجری این رساله برای پژوهش پیش رو، هدفگذاری کرده است.

نمونه‌ی دیگر کارهای انجام‌شده، پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی نقش تصویرسازی در علم طب: مطالعه موردی کتاب مصور تشریح بدن محمد بن الیاس و کتاب قانون ابن سینا» است که توسط الهه شهابی تألیف شده است. پایان‌نامه، از چهار فصل تشکیل شده و در آن، پس از بیان مختصری درباره‌ی تشریح، به مطالعه‌ی موردی تشریح‌الأبدان و القانون ابن سینا می‌پردازد. کاستی این پژوهش، آن است که مولف، درک درستی از مفهوم تشریح نداشته است. همچنانکه در تعریف این واژه، بجای رجوع به منابع کهن، از منابع جدید استفاده کرده و بیان داشته «آناتومی علمی است که در مورد ساختار بدن انسان صحبت می‌کند و به شناسایی ساختمان بدن انسان و روابط بین اندام‌های مختلف می‌پردازد». آنگونه که از تعریف هم آشکار است، مولف، واژه‌ی «آناتومی» و نه واژه‌ی «تشریح» را تعریف کرده است. مولف در تألیف پایان‌نامه، رویکرد هنری را بر رویکرد تجربی طبی برتری داده و در این رویکرد نیز تنها دو اثر ذکرشده در بالا، یعنی تشریح‌الأبدان و القانون را مورد بررسی قرار

^۳- نیک‌سرشت، مائده. واژگان تخصصی تشریح در قرن ۸ هجری قمری به استناد کتاب تشریح‌الأبدان منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس شیرازی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران اسلامی. دانشگاه پیام نور. مهر ۱۳۸۹.

داده است. به عبارت دیگر، به مطالعه‌ی موردی پرداخته است.^۴ این پژوهش نیز ورای آن چیزی است که مجری این رساله، در پی انجام آن است.

از دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، مقاله‌ای است با عنوان «تشریح در طب دوران تمدن اسلامی و شیوه‌های دستیابی به دانش آن» که توسط شهره روغنی نوشته شده است. مقاله با رویکردی تاریخی بنگارش درآمده و به یکی از سوالات مهم خود نیز پاسخ نداده است: اینکه آیا تشریح جسد انسانی در تمدن مسلمین انجام گرفته یا خیر. این پژوهش نیز بدلیل اتکا بر حوزه‌ی تاریخ، آنچه که مجری این رساله، بدنبال انجام آن است، نمی‌باشد.^۵ همچنین، مقاله‌ی «بررسی نگاره‌های نسخه‌های خطی پزشکی تشریح‌الابدان» که توسط مهتاب مبینی و شیدا اسماعیلی تالیف شده است. این مقاله نیز ترکیبی از مباحث تاریخی و هنری را ارائه کرده و کمبود مباحث طبی در آن احساس می‌شود.^۶

۱-۸-۲- پیشینه‌ی پژوهش در خارج از ایران:

از جمله‌ی افرادی که در زمینه‌ی طب دوره‌ی اسلامی و حوزه‌ی تشریح آن تألیفاتی دارد، امیلی سوچ اسمیت (Emilie Savage-smith) است که پژوهش‌های متعددی در حوزه‌ی علم و فناوری دوره‌ی اسلامی داشته است. از جمله‌ی آنها می‌توان به «رهیافت‌هایی به تشریح در اسلام دوره‌ی میانه»^۷ و «نمایش آناتومی در نسخه‌های عربی»^۸ اشاره کرد. با این همه، آنچه که در این آثار مطرح شده، متمرکز بر خوانش منابع عربی بوده و

^۴- شهبابی، الهه. بررسی نقش تصویرسازی در علم طب (مطالعه موردی کتاب مصور تشریح بدن محمد بن الیاس و کتاب قانون ابن سینا. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی پژوهش هنر. دانشگاه سیستان و بلوچستان. مهر ۱۳۹۷.

^۵- روغنی، شهره. «تشریح در طب دوران تمدن اسلامی و شیوه‌های دستیابی به دانش آن» - فصلنامه تاریخ پزشکی. سال دوم. شماره ۴. پاییز ۱۳۸۹.

^۶- مبینی، مهتاب و اسماعیلی، شیدا. «بررسی نگاره‌های نسخه‌های خطی پزشکی تشریح‌الابدان» فصلنامه علمی - پژوهشی نگره. شماره ۴۴. پاییز ۹۶.

7- Attitudes toward dissection in medieval islam. In: *Journal of the history of medicine and allied sciences*, volume 50, issue 1. January 1995, p. 67-110.

8- Anatomical illustration in Arabic manuscripts. In: *Arab painting : text and image in illustrated Arabic manuscripts*, ed. A. Contadini. Lieden: Brill, 2007, p. 147-159 and figs. 1-6.

درباب آثار فارسی دوره‌ی پژوهش، یعنی آثار طبی امثال سیداسماعیل جرجانی و منصور بن محمد بن احمد شیرازی، مطلب خاصی ارائه نمی‌کند. برای نمونه، در «پزشکی اسلامی دوره میانه» که به‌همراه پیترا ای. پورمن بنگارش درآورده، به مبحث تشریح، چندان نپرداخته است. این را از حجم اندک مطالب اختصاص یافته به این حوزه می‌توان استنباط کرد.

نمونه‌ی دیگر کارهای انجام‌شده، مقاله‌ای است با عنوان «نقش تاریخی تمدن اسلامی در علوم پزشکی و عملی: چکیده‌ای از کارکرد مسلمین» که توسط سه تن از پژوهشگران مسلمان آسیای جنوب شرقی تهیه شده است. پژوهشی که اگرچه، حوزه‌ی طب و تشریح دوره‌ی اسلامی را هدف گرفته، اما مطالب نوآورانه‌ای ارائه نمی‌کند.⁹ یکی از علت‌های این امر، تکیه بر مباحث تاریخی و ورود نه‌چندان موفق به مقوله‌های علم و فناوری تمدن مسلمین است. اینکه فی‌المثل، ورود دقیق و منسجمی به مبحث تشریح، بعنوان یکی از مبادی طب دوره‌ی اسلامی ندارد و به این سوالات مهم که آیا طبیبان مسلمان به تشریح جاندار زنده یا مرده می‌پرداختند یا آنکه آیا به تشریح اجساد انسانی دست می‌زدند، پاسخ نداده است.

این البته همه‌ی آنچه انجام شده، نمی‌باشد. در این زمینه می‌توان از کار لانگریگ و در حوزه‌ی پزشکی و فلسفه یاد کرد. اثری که با تمرکز بر طب کهن یونانی تالیف شده است (Longrigg, 1993, p. 161-170). همینطور است کار لوید که درباره‌ی تاریخ نخستین تشریح نزد یونانیان انجام شده است (Lloyd, 1975, p. 113-147). اما هیچ‌یک از این موارد، آنچه مجری این رساله در پی بیان آن بوده را بیان نکرده‌اند. این موارد، آنچه در حوزه‌ی تاریخ و از سوی نویسندگان متون تشریح (البته با تاکید بر نویسندگان تمدن اسلامی) تالیف شده را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما نه از منظر تاثیر اخلاط بر علم تشریح. به همین دلیل، مجری این رساله به این عرصه ورود کرده است.

9- Abubakar, TahirAbdulrahman, Abdul Hakim Abdullah and KabarAuwalHalabi, The historical contributions of Islamic civilization in medical and applied sciences: a survey from the muslims product. *ResearchGate*. January 2015. p. 1871-1881.